

وزیر کار ناغلا و فریب خانه کارگر

مصطفی اسدیپور - صفحه ۲

جمهوری اسلامی و معضل حفظ اسلام در «جامعه قرآنی» قم!

در حاشیه رویداد معروف به «طلبه و مادر قمی»

ثریا شهابی

موضوع کتک خوردن و فراری دادن یک طلبه جوان «بلندپرواز»، از چهره های شناخته شده «قرآن خوانی» کشور و از شاگرد اول های بنگاه مفتخواری اشرافی بنام «حوزه علمیه»، کسی که در شهر قم با توهمی ابلهانه به جایگاه خود جولان میداده، در ماجرای که به «طلبه و مادر قمی» معروف شده است، جامعه ایران را بار دیگر علیه حاکمیت اسلام، با پرچم حق زن، متحدانه به تحرک درآورد.

خیر از این قرار است که در یکی از روزهای اخیر، ۱۶ اسفند (۱۰ مارس)، یکی از طلبه های «ممتاز» قم، از زنی که در کلینیک «قرآن و عترت» این شهر، درحالی که کودکش را در آغوش داشته است و در انتظار نوبت روی زمین نشسته و بنظر میآید که مشغول شیردادن به کودک خود بوده است، با دوربین موبایل خود فیلم برداری میکنند. تا این «ولیعهد» سلسله ارتجاع، «بی حجابی» این زن را ثبت کرده باشد و به موقع نظام خدمت زن بی حجاب برسد. در همان حالی که او مشغول فیلم برداری است، بشدت مورد تعرض زن قرار میگیرد. همچون روال همیشگی این سالها در ایران، ماجرا به حمایت همگانی بیماران و کادر درمانی کلینیک از مادر معترض و تعرض بیشتر به این آخوند می انجامد و سرانجام فرار طلبه مربوطه از محل، با عبا و عمامه از تن و سر افتاده. مشروح این خبر، عکس ها و کلیپ های مردم و دوربین های مدار بسته درمانگاه و.. در شبکه های خبری و اجتماعی به وفور قابل دسترس است.

قابل تصور بود که خبر و عکس و کلیپ های این تقابل به چه سرعتی در سراسر ایران و در خارج کشور چون بمبی منفجر و پخش میشود. تقابلی که جامعه و حاکمیت را بار دیگر در سراسر ایران مقابل هم قرار میدهد. ... صفحه ۲

- کارگران جهان متحد شوید! -

همبستگی بین المللی کارگری با مردم فلسطین

شرکت کنندگان:

- محمد علوش: ریس اتحادیه مبارزات کارگران فلسطین
- ابو وطن: دبیر کل فدراسیون سراسری کارگران نفت و گاز عراق
- نماینده ای از جانب مرکز مبارزات کارگری از سیلانکا
- ماهیکس کریستین: از مرکز اتحادیه ارتباطات بین المللی کارگری در فرانسه
- جان ملونی: دستیار دبیر کل اتحادیه کارگران خدمات عمومی در بریتانیا
- امان کفا

شنبه ۱۶ مارس ۲۰۲۴

ساعت ۵ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۴ بعد از ظهر لندن و ۱۱ صبح نیویورک)

این جلسه در زووم برگزار می شود:

مشخصات زووم
Meeting ID: 875 7715 6417
Passcode: 981814

به نمایندگان کنگره، اعضا و فعالین حزب

آذر مدرسی، دبیر کمیته مرکزی - صفحه ۴

جشن می گیریم ولی...!

مظفر محمدی

این روزها شهرو روستاهای ایران در تدارک و جریان جشن و پایکوبی های چهار شنبه سوری و نوروز «سال نو» بوده و هستند. در کردستان این جشن ها از هفته های قبل از رسیدن سال نو شروع شده است. جشن می گیریم ولی...

آری، جشن میگیریم اما در خلال این جشن ها جمهوری اسلامی هم سیاست مزورانه و ریاکارانه ای را شروع کرده است. استاندار کردستان و نهادهای وابسته پیشقدم شده و روزی به نام «روز لباس کردی» را اعلام و خود آغازگر این نمایش فریبکارانه شده اند. دارایی کوشان، استاندار قروه ای کردستان خود لباس کوردی پوشید و در مراسم این روز در میان مردم و زنان و دخترانی که روسری نداشتند به خوش رقصی پرداخت. به مدارس و ادارات دستور داد در این روز همه لباس کوردی بپوشند! چرا؟

چرا در حالی که در سراسر ایران بر سر یک لچک دختران را در ماشین به گلوله می بندند و در مجلس قانون جریمه تصویب می کنند و در خیابان و حتی در درمانگاه ها از زنان و دختران بدون حجاب اجباری عکس و فیلم می گیرند و بازداشت می کنند، در کردستان مراسم و جشن بزرگداشت لباس کوردی برپا می کنند! در این به اصطلاح مراسم بیشتر زنان حجاب اجباری نداشتند و استاندار و نیروهای نظامی اما در کنار زنان و دختران بدون روسری عکس گرفتند. اما این یک روی سکه است. روی دیگر سکه این است که، همین امروز و در آخرین پنج شنبه سال، هزاران زن و مرد به بهشت محمدی رفتند و بر مزار جانباختگان و کشته شدگان جنگ حجاب حاضر شدند در حالیکه صدها مامور یگان ویژه با مسلسل هایشان مردم گورستان بهشت محمدی و درب ورودیش را در محاصره قرار دادند. کدام درست است؟ جشن روز لباس کوردی بدون لچک یا محاصره نظامی خانواده های فرزندان کشته شده بخاطر همین روسری «حجاب اجباری»! ... صفحه ۴

آزادی برابری حکومت کارگری

عکس العمل‌های «نسنجیده» و از سر «دستپاچی» و «گیجی» عوامل کم عقل تر حکومتی در رسانه‌های نوشتاری و گفتاری که علیه زن معترض عروتیز و دهان دریدگی میکنند، بلافاصله توسط مقامات دیگر تکذیب میشود. اعلام میکنند که برخلاف ادعای این عناصر، کسی را دستگیر نکرده‌اند اما عواملی را شناسایی کرده‌اند! عواملی که شناسایی کرده‌اند، دامنه شمول شان از مدیر درمانگاه و کارکنان درمانگاه و مراجعین به درمانگاه تا منتشر کنندگان خبر و .. وسیع است. تنها کسی که مطلقاً کسی در میان مقامات جرات ابراز نظر در مورد احتمال «مجرمیت» و برقراری کمترین جریمه یا مجازاتی در مورد او نیست، زن معترض است. زنی که طلبه عزیزدردانه نظام را در مقابل چشمان همگان در درمانگاه و مقابل مونیتورهای هشتاد میلیون نفر در ایران، محکم سرچایش نشاندا؛ زنی که «مقام» این عنصر «بلندپرواز»، شان و منزلت او و «روحانیت» و «قرآن» و «حجاب» و .. را تماما در محل، به آبریزگاه درمانگاه «قرآن و عترت» در قم، این پایتخت «جامعه قرآنی»، فرستاد.

دهها و دهها بررسی و اظهار نظر متناقض و بی محتوا توسط مقامات مختلف محلی و سراسری برای ساکت نگاه داشتن پایین و در عین حال ژست اینکه گویا حاکمیت مشغول «دادن درس عبرت» به کسی برای «حفظ حرمت و شان روحانیت» است، تیرت صفحات روزنامه‌های قانونی و مجاز را پر میکند. مقامات و مشاورین و اعضا «دفاتر فکری» شان، به خود و همدیگر هشدار میدهند که مواظب باشند چرا که دامن زدن به این تقابلهای «بازی با آتش» است! مسیله مهسا و انقلاب زن زندگی آزادی و هراس و خوف روزهایی که توسط آن جنبش انقلابی زنانه در ایران بر سر حجاب و حق زن، از همه طرف محاصره شان کرده بود، را بیاد هم میآورند و به هم یادآوری میکنند که مواظب عکس العمل «نامتناسب یا اوضاع» باشند!

کار به جایی میرسد که برخی در درون خود حاکمیت، تلاش میکنند مثلاً «باکلاس» صحبت کنند. «خود را به نفهمی میزنند» و سعی میکنند تلویحا به نوعی سرها را به سمت احتمال خطا کار بودن آخوند مربوط برگردانند و موضوع را به شکلی «رقیق» کنند. تا شاید بر آتش خشم وسیع مردم آبی بریزند. گویی برتخت حاکمیت در سوپس نشسته‌اند، می فرمایند که: احتمالا خانم مربوطه درک درستی از قانون نداشته است، «بدفهمی» شده است، اصلا معلوم نیست که در دوربین طلبه مربوطه عکسی موجود بوده است یا نه، و یا احتمالا طلبه مربوط «درک درستی از مقررات امر به معروف نداشته است و بالاخره مضحک تر از همه این ادعا برخی حکومتی‌ها است که «عکس گرفتن از مردم بدون اجازه آنها» کار خلافی است، درست و «امر به معروف» نیست!

غافل از اینکه هر درجه عقب نشینی از این نوع و «به نفهمی زدن خود» از طرف مقامات، جامعه را هزار بار بیشتر برسرشان خراب میکند. صحبت از «احترام به حریم خصوصی مردم»، از جانب آنهایی که پایه گذار و مجری چهل سال مجازات زنان و مردم به خاطر رفتارهای «حرام شرعی» و «حرام سیاسی» در چهاردیواریهای خصوصی خود بوده‌اند، کسانی که مردم را در اطاق خواب و پای تلویزیون‌ها و مجالس خصوصی جشن‌هایشان و حتی در رختخواب‌ها و سکس هم کنترل و مجازات کرده‌اند، لقمه بسیار بزرگی بر دهانشان است که درگلو خفه شان میکند. واقعیت این است که عقب نشینی‌هایشان هم، همچون تعرض‌ها و مجازات زنان بی حجاب، از هر دو طرف، برایشان بازی با آتش است. این وضع حاکمیت ضدزنی است که قریب دو سال است بر سر حق زن و حفظ حاکمیت اسلام بر فراز سرجامعه، دچار سردرگمی است که نه راه پیش دارد و نه راه پس. سردرگمی و بیماری که تنها و تنها پایین جامعه، زنان، جوانان، مردم و طبقه کارگر حکومت را به آن دچار کرده است.

بهررو، این تقابلهای همانطور که پیش بینی می شد، میدان وسیعی دیگری برای مردم خشمگین و عاصی از ارتجاع اسلامی، علیه حوزه علمیه و گله مفت خور آخوندها و قوانین و مقررات ضدزن و ضدبشری آن باز کرد. در شبکه‌های اجتماعی دهها و دهها زن دیگر تجربیات شان در تعرض متقابل به اوباش معمم یا مکلأ امر به معروف، آخوند و بسیجی و .. را با جامعه در میان میگذارند. همه میدانند که «مادر قمی و طلبه دوربین بدست» تنها یک نمونه از صدها هزاران موردی است که زنان و مردم این اوباش را به نوعی سرچایشان نشانده‌اند.

بیش از همه این حاکمیت است که، در شرایطی که نظام توسط جنبش مردمی و بخصوص زنان، به لبه پرتگاه سقوط کشیده شده است، کمترین پیشریزی نه برای طلبه عزیز کرده اش ارزش قایل است و نه برای شان و حرمت لگدمال شده «روحانیت»! حاکمیتی که استراتژی و تاکتیکش در بقا حاکمیتش، حفظ اتحاد درونی و ایجاد امید به بقا، در درون خود است. در جامعه‌ای که سرتاپا نمی خواهدش و برای خلاصی از آن به قدرت خود به میدان آمده است، تاکتیک و استراتژی حاکمیت تابع منحنی امیدواری است که بتواند به هر شکل در صفوف خود ایجاد کند و مانع ریزش بیشتر نیروهایش شود! تابع منحنی امیدوار

نگاه داشتن صفوف خود، نه نسبت به توان شان در حفظ «شان» و «جایگاه» شریعت و قرآن و این و آن طلبه و حوزه و مسجد و آخوند و گشت ارشاد و شوراهای اسلامی و .. که بیش از یک دهه است که جامعه آنها را لگدمال کرده و به حاشیه رانده است، که توان شان در به در انتظار گذاشتن جامعه و ساکت کردن آن است. در این راستا، هر حربه‌ای «شرعی» و «مجاز» است. از دیپلماسی بین المللی، تا بازی با کارت میلیتاریسم در منطقه و تلاش برای سواستفاده از مصایب فلسطینیان و توحش میلیتاریسم آمریکا، از اعدام‌های حیوانانه و در گرونگاه داشتن معیشت اکثریت هشتاد میلیونی مردم در ایران و ایجاد ترس از جنگ و به فقر و تباهی کشاندن خانواده‌های بیشتر، همه و همه «شرعی» و «مجاز» است. بر این بستر حرف‌های مفت این و آن شخصیت «باکلاس» و «بی کلاس» حاکمیت، تاجایی مهم است که به این استراتژی و تاکتیک کمک میکند. در ماجرای «زن قمی و طلبه موبال بدست» سیاست رژیم، تنها و تنها مانع از گسترش این تعرض و جلوگیری از شیفت کردن آن به شورش و قیام دیگری از جنس دیماه، آبانماه، و خیزش انقلابی حق زن در دوسال پیش است. در این راستا حتی اگر قرار باشد طیفی از عزیزدردانه‌های «جامعه قرآنی» خود را هم قربانی کنند، چشم بر آتش زدن قرآن و مسجد هم بندند، خواهند کرد به شرطی که بتوانند نظام جمهوری اسلامی ایران را از بحران سیاسی انقلابی دیگری نجات دهند.

در ماجرای اخیر، باید نشان دهند که قدرت حکومت کردن و حفاظت از خود را دارند! باید کسی را جایی «مجازات» کنند و نشان دهد که هنوز چنگ و دندان دارند و میتوانند بکشند و مرعوب کنند. باید جایی کسی را به جرم جاسوسی یا همکاری با استکبار جهانی و .. در خفا و پنهانی «گوشمالی دهند» تا بتوانند «امید به بقا نظام» را در دل خودی‌ها، زنده نگاه دارند. بررسی پرونده شکایت از درمانگاه و کارکنان و مدیر و منتشر کنندگان خبر و .. همه و همه حواشی مراسم بریدن نان سفره کسی یا قربانی کردن بیگناهی در این و آن گوشه جامعه است، تا اعلام کنند که میتوانند در مقابل مردم از خود دفاع کنند.

گرو گرفتار معاش و نان مردم، بریدن نان مردم، موج دستگیری‌ها و اعدام‌های اخیر، که تماما انتقامجویی از جامعه‌ای است که دوسال پیش علیه نظام بپاخواسته است، تنها حربه بقا نظام است. حربه‌ای که تا امروز بیش از اینکه مردم را مرعوب کند و به تسلیم و عقب نشینی بکشاند، خودی‌های نظام را از امروز به فردا، موقتا امیدوار و متحد نگاه داشته است.

تاجایی که به مردم برمیگردد، هشتاد میلیونی که برای زندگی انسانی هر روز در جدال با نظام‌اند، راه برگشتی وجود ندارد. این حربه‌ها، جنبش برای رهایی زن، خلاصی از ارتجاع اسلامی و قوانین و مقدرات کثیف آن، و به موازات آن جنبش برای معاش را نه تنها عقب نرانده و به تسلیم نکشاند، که هر روز خطر انفجار شورش مردمی دیگری از جایی، خواب را بر همگی شان حرام کرده است.

لایحه حجاب و عفاف شان، که به اصطلاح یکی از نمایشات اجرای قوانین شان در مقابل «بی حجابی» بود، حتی با پادرمیانی مقام معظم که برداشت حجاب «هم حرام شرعی است و هم حرام سیاسی»، فعلا چون تکه پاره کاغذی بین مجلس و شورای نگهبان پاس و پاس کاری میشود! تنها بخش مهم آن جمع شدن بساط گشت ارشاد است که بساط آن را پایین، جنبش زن زندگی آزادی جمع کرد و حاکمیت ناچار شد به آن گردن نهد. نظام جرات اجرای هیچ قانون و مقررات جدیدی که قوانین ضدزن خودشان را «تلطیف کند» را هم ندارد! باز کردن باب هر یک از این قوانین یا «اصلاحیه»‌های این و آن، تنها و تنها در دیگری بر روی جنبش زنان، مردمی و کارگری می گشاید که همه قوانین و مقررات شان را لگدمال و پاره کنند! این بازی‌های «اصلاحیه»‌ای برای جمهوری اسلامی ایران، زیادی خطر ناک است.

ماجرای «مادر قمی و طلبه موبایل بدست»، برخلاف برخی بررسی‌های این وکیل و آن جامعه شناس، این قانون شناس و آن کنشگر فرصت طلب و اصلاح طلب، نه موضوعی مربوط به نحوه اجرای قانون اساسی است و مذهب شیعه یا بدفهمی برخی مقامات «روحانی»، یا تقصیر «دولت پنهان» و «تندروهای درون حکومت»، نه مشکل درمانگاهی که جایگاهی برای مادران برای رسیدگی به کودکان ندارد است که میتواند مشکل عمومی برای همه والدین باشد یا «بیچارگی» و «خستگی» و «خشم» مادری به خاطر بیماری فرزند که میتواند مشکل هر کسی در هر درمانگاهی باشد، که تنها و تنها موضوعی مربوط به تقابل یک «برده» در یک «جامعه برده داری» در مقابل یک «برده دار» است. همه عوامل دیگر حاشیه‌ای است. در ایران زن بودن جرم است! مجازات زن بودن در قانون اساسی که مبتنی بر احکام قرآن است، روشن شده است. زن با مرد نه تنها برابر نیست که جزو اموال مرد است! اینکه حکومت برده داری زن در ایران، قادر به اجرای کامل قوانینش نیست، تغییری در این واقعیت نمی دهد. بردگی زنان در ایران هم سیاسی است و هم اسلامی. از این روست که جنبش‌های زن در ایران یک رهایی عمیق و گسترده از اسلام و همه شاخه‌های آن در سراسر جامعه است. ... ادامه در صفحه بعد

وزیر کار ناقل و فریب خانه کارگر مصطفی اسدپور

با شروع مباحث حول فصل دستمزدها، از طرف خانه کارگر درخواست انتشار صورت جلسات شورای عالی کار در بحث تعیین دستمزدها ۱۴۰۲ در رسانه ها مطرح است. قضیه از این قرار است: سال گذشته رقم ۲۷ درصد افزایش دستمزد در حالی که کمترین رقم سطح تورم و سید معیشت ۳۰۰ تا ۵۰۰ درصد افزایش دستمزد را می طلبد، با اعتراض و بیزاری وسیع روبرو شد. مخمصه خانه کارگر بعنوان نماینده کارگران در چانه زنی کذایی دستمزدها اجتناب ناپذیر بود. «فریب خوردیم» توضیح نماینده خانه کارگر از این افتضاح است. خیلی خلاصه، گویا سه وزیر حاضر در مذاکرات با قول شفاهی در سه موضوع اساسی، یعنی مبنی بر کنترل تورم، کنترل قیمت کالاهای اساسی سید معیشت، و همچنین قول افزایش در میانه سال؛ سر حضرات را بزبان ساده شیره مالیده اند. تورم بالاتر رفت، قیمت ها گرانتر شد و وزیر کار مانع برگزاری جلسه شورایی عالی دستمزدها گردید و از افزایش میان دوره ای دستمزدها خبری نبود. یک سال بعدتر، از قرار معلوم خانه کارگر ول کن ماجرا نیست. درخواست امروز برای انتشار صورت جلسات ادامه همان دلخوری یکسال پیش است که ظاهرا هنوز سر التیام ندارد. صحنه رقت انگیزی است. کمت کسی میتواند خانه کارگر را دست کم بگیرد؛ یک دم و دستگاه عریض و طویل با سابقه چهار وزیر کار، یک دوجین نماینده مجلس، سوار بر مافیای مالی و برج و باروی «اسلامی کار»، پشت به قلعه شوراهای اسلامی و مقام ارثی «نماینده کارگران» در شورای عالی کار، مارهای افعی خورده در بازی با تورم و دلار و خط فقر، با سابقه طولانی در چُسی «مدافعان شهیر دستمزد کارگران» ... البته تماشای این حشره لندهور ضد کارگری با زیر جامه سفید در صفحات اینترنتی، با ناله های «گول خوردم، گول خوردم» خالی از لطف نیست! دیدنی است که این صولتی در وزارت کار دیگر چه روباه است که قاپ «خروس» دست پرورده علیرضا محبوب را زده است! حالا در این هردنبیل مطلق در تعیین نمایندگی کارگران برای عضویت در شورای عالی کار چه میشد برای یکبار هم که شده، جای فرستاده خانه کارگر، جناب صولتی ناقل نمایندگی کارگران را به عهده بگیرد؟!

کلیله و دمنه حکایات نوین و ننگین جنگل اسلامی سرمایه هرچه که می خواهد باشد، تصور صولتی و خدایی از خود هر چه که می خواهد باشد، این واقعه مهم است. کسی نیست بپرسد نماینده خانه کارگر به چه حقی بردگی کارگر را به امضاء رسانده؟ نمایندگی کدام کارگر؟ پاسخگویی به کدام کارگر؟ کسی نیست کرکره این فضاخت و مسخرگی را پایین بکشد؟ در آن روز طلائی و در طول این حکایت چهل میلیون عضو خانواده کارگر و زحمتکش به خاک سیاه نشستند، به زنجیر بردگی کشانده شدند، گناه آن کارگران و زحمتکشانشان چیست که باید یکبار دیگر مسخره یک بازی احمقانه بشوند؟ در این میان کاسه داغتر از آش نمیتوان شد. در شرح ماجرای جناب مامور خانه کارگر از شورای عالی دستمزد، حتما حقیقتی وجود دارد، خدا میداند پشت

دربهای بسته چه میگردد، این مصوبات و شیرین زبانی های بعدی را نباید ساده انگاشت. گیرم جلسه شورای عالی دستمزد، گیرم یک وزیر کار نانچیب و بد دهن، گیرم یک نمونه دیگر از خرورار مصوبات مالیخولیایی، ولی هر غلطی و آنهم به اسم کارگر نباید در آنجا مجاز باشد. اما مهمتر از هر چیز در این میان کلاهی است که برای سر کارگر دوخته شده. هر بلایی سر یکدیگر در میاورند به کنار اما تصویر شورای عالی کار بعنوان مرجع تعیین دستمزد کارگران زیادی لوکس و نجسب است. خانه کارگر و مذاکره و مصوبه دستمزدها آنهم با ور رفتن با اعداد و ارقام (یا همان چانه زنی) مطلقا محلی از اعراب ندارد. کسی در آن مملکت با بانگ عمارت وزارت کار و «گول خوردن» مامور خانه کارگر دندان روی جگر توقعات خود نمیگذارد و پی دستمزدهای مصوب و وحوش سرمایه در ایران را به تن نمیاند. اگر قرار است صورت جلسات مربوط به دستمزدها منتشر شود، بروید صورت جلسات بازجوها و شکنجه گران زندان اوین علیه کارگران دستگیر شده اجتماع اعتراضی شرکت واحد را هم بیاورید، شرح حمله و شلاق معدنچیان تکاب را ضمیمه سازید، خون دل خوردن کارگران هزاران هزار کارگر در پیدا کردن راهی برای اتحاد و اعتراض را هم منتشر کنید! ...

در مورد خود آقای علی خدایی، به سختی میتوان باور کرد که «فریب» در کار باشد. نماینده خانه کارگر، در عوض به همان بلایی دچار شده است که برای سایر کارگران همیشه در دستور داشته اند: قانع باشند، صنفی بمانند، خود را به نفهمی بزنند، پا را از گلیم وفاداری به حکومت فراتر نگذارند.

امروز خانه کارگر یک پدیده حاشیه ای و رسوا در مبارزات کارگری به حساب میاید. هر چقدر که خانه کارگر به روزنامه و سایت خبری، جمعاوری امضاء و تقاضانامه و مرثیه های کارگری خلاصه میشود؛ کارگران در اجتماعات و مبارزه جویی جمعی راه تحقق دستاوردهای هر چه بزرگتر را هموار میسازند.

در مورد دعوای جاری حرف حساب ما سر راست و ساده است:

- شورای عالی کار و مذاکرات آن را باید به مجامع عمومی کارگران متکی ساخت
- عجلاته، نماینده خانه کارگر حق دارد گول نخورد

کارگران کمونیست!

حزب ما، سنگر اتحاد و تشکل
حزب شما است.
حزب را از آن خود کنید!

می شناسد! جامعه ای دشمن جمهوری اسلامی ایران است و در صف مقدم آن زنان و دختران در سراسر ایران! طلبه «بلند پرواز» قم که درس خوبی از زن معترض گرفت، ابلهی است که میخواست آخر عمر جمهوری اسلامی «جامعه قرآنی» بسازد و هشتاد میلیون شهروند متمدن و متوقع در ایران را در تابوتی بنام «جامعه قرآنی» محبوس کند! کاری که چهل و دو سال قبل خمینی و خامنه ای و ریسی و خاتمی و رفسنجانی و موسوی و کروبی و .. انجام دادند و کل جامعه را در آن تابوت برای دهه ها حبس کردند! جامعه ای که در آن زن از حشرات کم حقوق تر است، اختیار زن در سکس حرام است، حکومت رختخواب و خصوصی ترین روابط مردم را هم کنترل میکند و برای آن قانون و مقررات دارد! جامعه ای که در آن قانونا نمایش تولد نوزادان و شروع یک زندگی جدید حرام است، بدن زن حرام است، شادی حرام است، خوشی حرام است، نگاه مردان به زنان حرام است، نگاه زنان به مردان حرام است، آزادی حرام است، برابری و رفاه همگانی حرام است!

انقلاب حرام زدایی و اسلام زدایی از جامعه ایران، مدت ها است شروع شده است. خشم مادر قمی، خشم جامعه ای است که برای حق زن بپاخواسته است. خشم همگانی که امروز آن هیولای مخوف را به زبونی و «غلط کردم» کشانده است. خشم انقلابی که هزاران بار پیش از فاجعه ساختن آن «جامعه قرآنی»، زیرورو کننده و دگرگون کننده است. این بار به نفع بردگان! این بار به رای زندگی و برای آزادی، رفاه همگانی و برابری.

جمهوری اسلامی و ...

برندگان در ایران، زنان، حکومت برده داران را فرسنگا عقب زده اند. از دوسال پیش زنجیرهای زیادی را پاره و از دست و پا و گردن باز کرده اند! اما حکومت برده داران هنوز برجها است و تا روزی که به زیر کشیده نشود برجها است!

آدرش اشتباهی دادن مهارت طیفی از روشنفکران اصلاح طلب حکومتی است که چهل سال است تلاش میکنند که یک جامعه متوقع امروزی را به تغییر از بالا و درون متوهم نگاه دارند. این توهم در بعد اجتماعی و میلیونی در ایران سالها است که ریخته است! جمهوری اسلامی ایران، بدون زن ستیزی، بدون حاکمیت به زور اسلام، قادر به ادامه حیات نیست. جنبشی که از درمانگاهها تا مدارس، از دانشگاهها تا کارخانه ها، از ادارات تا روستاها و شهرهای بزرگ و کوچک هر روز برای دستیابی به زندگی، شادی، حداقلی از آزادی و رفاه در میدان است و هر روز هر مقاومت آن منشا بحرانی برای حاکمیت است، دشمن خود را خوب می شناسد. نمی توان آن را در زوروق «اگر» و «مگر» های پوشالی و حاشیه ای پوشاند! حکومتی که آواز خواندن دختران دانشآموز در مدارس آن را بحرانی میکند، این آن شعر این و آن خواننده، آن را بحرانی میکند، این و آن اعتصاب کارگری برای دستمزدهای پرداخت نشده و افزایش دستمزد ها آن را بحرانی میکند، فریاد بازنشستگان و معلمان علیه گرانی و فقر آن را بحرانی میکند، مقاومت این زن و آن دختر در مترو یا درمانگاه یا خیابان و .. آن را بحرانی میکند، دشمن خود را خوب

به نمایندگان کنگره، اعضا و فعالین حزب

رفقای عزیز!

با گرمترین درودها

طبق روال همیشگی با پایان انتخابات پروسه تدارک سیاسی کنگره رسماً در دستور نمایندگان و همه اعضا و فعالین حزب قرار میگیرد.

کنگره بعنوان بالاترین و عالیترین ارگان حزبی به مهمترین مسائل پیشاروی حزب خواهد پرداخت. از اینو کنگره امکانی است برای تاثیرگذاری تک تک ما بر سیاستها، اولویتها و جهتی که حزب باید برای تحکیم موقعیت خود و پیشروی جنبش کمونیستی و کارگری، طی کند.

با توجه به تنوع مسائلی که در دستور کنگره قرار میگیرد و زمان محدودی که کنگره دارد، از همه رفقا و بخصوص نمایندگان انتظار میرود که از هم اکنون تلاش کنند مهمترین مسائلی که کنگره باید به آنها بپردازد، اسنادی که باید مورد بررسی قرار بگیرد و تصویب شود را از قبل به اطلاع نمایندگان کنگره رسانده باشند.

دو سال از کنگره دهم حزب میگذرد. در این دو سال صحنه سیاسی و اجتماعی جهان و ایران تغییرات اساسی و تعیین کننده ای کرده است. ایران صحنه خیزشی توده ای و انقلابی برای آزادی و رفاه و برابری بود. خیزشی که مهر خود را بر سیمای سیاسی- اجتماعی ایران، بر درجه آمادگی مردم برای دست بردن به تغییرات بینادی به قدرت خود، به توازن قوا میان مردم و حاکمیت، به موقعیت کارگر و زن در جامعه، به جنبشهای سیاسی و احزاب و نیروهای سیاسی و موقعیت آنان در ایران زد. امروز همه ما با جامعه و مردم دیگری

روبرو هستیم. جامعه ای پولاریزه و به چپ چرخیده! که سیمای آن تماماً از قبل متفاوت است. امروز زن، جوان، کارگر و اقشار محروم با حساسیت، دقت و هوشیاری بسیار بالاتری به جنبشها و احزاب سیاسی نگاه میکنند، آنها را می سنجد و رابطه خود را با این جنبشها و احزاب تعریف میکنند. قطعاً کنگره یازدهم حزب و مباحث آن باید با اتکا به این مولفه ها آینده و اولویتهای حزب، راههای دخالتهای فعالتر و موثرتر حزب و راههای پیشروی جنبش کمونیستی و کارگری را تعیین کند.

به رفقا و فعالین حزب در ایران

رهبری حزب به سنت و روال همیشگی تمام تلاش خود را برای تضمین دخالت فعال و موثر شما در مباحث کنگره خواهد کرد. عدم حضور فیزیکی شما در کنگره قطعاً به معنی عدم دخالت سیاسی شما در مباحث کنگره نخواهد بود. ما و همه نمایندگان حاضر در این اجلاس مشتاقانه منتظر شنیدن نظرات شما، چه در رابطه با ارزیابی از سیاستها و فعالیتهای حزب طی دو سال گذشته و چه در رابطه با سیاستها، اولویتهای و پراتیکی که باید در دستور حزب پس از کنگره قرار بگیرد، هستیم.

رفقای عزیز

شرط برگزاری موفقیت آمیز کنگره، آمادگی از پیشی همگی ما، بویژه نمایندگان، و دخالت فعال در مباحث کنگره، چه در بررسی اسنادی که به کنگره ارائه میشود و چه تهیه اسناد پیشنهادی در رابطه با مسائلی که باید در دستور کنگره و حزب قرار بگیرد، است.

از طرف رهبری حزب همه رفقا را به ایفای نقشی فعال و جدی در این دوره دعوت میکنم.

دست همگی شما را صمیمانه میفشارم و برایتان آرزوی موفقیت دارم.

آذر مدرسی

۱۲ مارس ۲۰۲۴

جشن میگیریم ولی...

و نیروهای امنیتی اش با لباس «پیشمرگایتی» که تا دیروز در کردستان جرم بود و هنوزم برای مبارزین واقعی جرم است، دستمال «جامانه» تکان دادند و رقصیدند. هشیار باشیم که جمهوری اسلامی همین ناسیونالیسم را امروز باد می زند و لباسش را تکریم می کند تا در همبستگی و همسرنوشتی سراسری مبارزه و جدال مردم ایران فارغ از قوم و زبان و نژاد و مذهب که در جنبش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ به اوج رسید، خدشه وارد کرده و تفرقه بیندازد.

جشن بگیریم ولی... جشن را کوردی و تورکی و لری و فارسی نکنیم! جمهوری اسلامی که ضد هر گونه شادی مردم است، نمی تواند و نباید اجازه داد شادی مردم کردستان را با توطئه ی «روز لباس کوردی» خدشه دار و آلوده کند. شادی کنیم ولی... اجازه ندهیم ناسیونالیست های نوع پژاک و دیگر قوم پرستان دست در دست جمهوری اسلامی، مبارزه مردم کردستان را قومی کنند. جشن بگیریم و جشن ما سراسری است. چون نوروز ما و سال نو ما و سرنوشت ما یکی و سراسری است. چون شادی و رفاه و خوشبختی و پیروزی ما تنها در گرو این سراسری بودن و همسرنوشتی انسانی و همبستگی مبارزاتی است.

بگذار قوم پرستان به ساز جمهوری اسلامی برقصند. باید به روی استانداران مزدور و قوم پرستان همدست اش تف انداخت. باید استانداران و ماموران را با اردنگی به میان نظامیان در محاصره بهشت محمدی روانه کرد. این دورویی شرم آور را باید همه بشناسند! جشن بگیریم ولی در دام دشمنان اتحاد صفوف مردم زحمتکش در سراسر ایران، نیفتیم

جشن های نوروزی سراسری تان مبارک!

شکی نیست یکیش توطئه و دروغ و دیگری واقعیت است. واقعیت، جنگ جمهوری اسلامی علیه زنان و حفظ حجاب اجباری حتی در مراسم بزرگداشت کشته شدگان این جنگ است و مراسم «روز لباس کوردی» بدون روسی «حجاب» یک توطئه و دورویی بیشرمانه است. ما جشن می گیریم. جشن نوروز و روزهای قبل و بعد از این روز فقط جشن و شادی و به استقبال سال نو و بهار و گل و طبیعت زیبا است. جشن کودکان و هدیه و لباس نو است. رقص و پایکوبی و موزیک و شادی و دست در دست هم و شانه به شانه هم است. در این جریان، نامگذاری چیزی به نام «روز لباس کوردی» یا نوروز متعلق به این و آن قوم، یک توطئه و یک برنامه سخیف برای ایجاد تفرقه در صفوف مردم است. جمهوری اسلامی، استانداران و ادارات اطلاعات و نظامیان را مامور کرده است که برای لباس کوردی جشن بگیرند تا به مردم ایران بگویند کوردها و لباس شان با دیگر مردم سراسر ایران فرق می کند. اصلاً کوردها از نژاد و جنس دیگرند. به مردم ایران بگویند، شما با کوردها فرق دارید. چرا؟

مگر یک روز به همین کردستان با همین لباس لشکر کشی نکردند، کوردها را جاسوس صدام و اسرائیل و امریکا ننمایند، کوردها را به تجزیه ایران متهم نکردند! چرا این روزها همین مردم سوگلی جمهوری اسلامی شده اند؟

ما جشن می گیریم ولی... یادمان باشد و هشیار باشیم که فریب توطئه های رژیم را نخوریم و به دامشان نیفتیم. ناسیونالیست های کرد در کنار استانداران

برنامه ابتدا با یک دقیقه سکوت به یاد تمامی زنان و مردان جان باخته در راه آرمان برابری طلبی، همراه سرود انترناسیونال شروع شد، در پی آن گفتاری در باره تاریخچه ۸ مارس و دستاوردهای مبارزه زنان در دنیای امروز که از طرف سه حزب مشترکاً تهیه شده بود توسط سارا عبدالله خوانده شد، بعد از این مقدمه، پیام و سخنرانی های از حزب کمونیست کارگری عراق (عادل احمد)، حزب حکمتیست خط رسمی (احمد مطلق)، حزب کمونیست انقلابی کانادا (زاربا)، سوسیالیست اکشن (Rubin) و همچنین حزب کمونیست کارگری کردستان ارائه شد.

شایان ذکر است که در فواصل سخنرانی و پیام ها قطعات شعر و موسیقی انقلابی زینت بخش مراسم بود، بعد از پایان بخش سیاسی مراسم گرامیداشت ۸ مارچ حاضرین با رقص و پایکوبی برنامه را به پایان بردند. این مراسم با استقبال گرم شرکت کنندگان مواجه شد.

تشکیلات تورنتو - کانادا، حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۲ مارس ۲۰۲۴

مراسم ۸ مارس در تورنتو - کانادا با همکاری حزب حکمتیست (خط رسمی) و احزاب کمونیست کارگری عراق و کردستان

عصر روز یکشنبه ۱۰/۳/۲۰۲۴ در شهر تورنتو مراسمی در گرامیداشت روز جهانی زن با شرکت تعداد قابل توجهی از زنان و مردان آزادپنخواه و برابری طلب و همچنین مهمان هایی از حزب کمونیست انقلابی کانادا، تشکیلات socialist action برگزار شد.

hekmatist.com

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

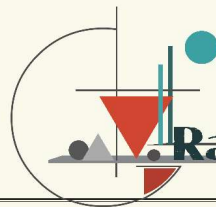
sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللهی



صدای آزادی، صدای برابری

Radio

Nina

radioneena.com

نی‌نا

پخش برنامه‌های نی‌نا
از کانال یک

برنامه‌های نی‌نا هر سه شنبه راس ساعت
۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در
شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

نی‌نا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نی‌نا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena